

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر سوره مبارکه عصر

اشارات قرآنی و نفحات رحمانی:

یک شنبه 21 - 04 - 1429؛ 08 - 02 - 1387؛ 27 - 04 - 2008

وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ

به عصر سوگند، که انسانها همه در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند!

I. وَالْعَصْرِ (سوگند به عصر)

1. **فضیلت این سوره مبارکه:** این سوره مبارکه صد و سومین سوره قرآن کریم است. از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل شده است: "هر کس سوره "والعصر" را قرائت کند خدا او را مورد غفران خویش قرار دهد و از کسانی باشد که سفارش به حق و سفارش به صبر می کند." و از امام صادق (ع) نقل گردیده است: هر کس "والعصر" را در نمازهای مستحبی بخواند خدا او را روز قیامت با چهره ای نورانی، لب خندان و چشمانی فرحناک بر می انگیزد تا وارد جنت گردد.

2. **وَالْعَصْرِ:** "عصر" در اصل لغت فشردن لباس و اموری از این قبیل مانند انگور و میوه های دیگر را گویند برای بیرون کردن آب و رطوبت از آن. برای دوندان اسب ها تا عرق کنند نیز از همین تعبیر استفاده می شود. در اصطلاح به بخش واپسین روز تا هنگام قرمزی خورشید در مغرب "عصر" می گویند چرا که در آن زمان برنامه کارهای روزنامه در هم پیچیده و جمع می گردد. در اینکه مقصود از "عصر" که در این سوره بدان سوگند خورده شده است چیست چندین نظر گفته شده است از جمله: 1- روزگار و زمان به معنای عام آن زیرا در طول روزگار است که امور بهم پیچیده و جمع می شوند، 2- بخشی از روز که به آن عصر گفته می شود، 3- دوره ایی خاص از تاریخ مثل زمان و عصر نبوت حضرت محمد (ص)، و یا عصر ظهور امام ولی عصر علیه السلام. نظرات دیگری هم مطرح می باشند که در بخش تأویلات بدانها اشاره خواهد شد.

3. **قسم به "عصر":** "واو" ابتداء "والعصر" "واو" قسم و سوگند است. بر اساس آنکه معنای "عصر" را چه بدانیم، این قسم معنای خاصی را خواهد داشت، به عنوان مثال، اگر عصر را همان معنای عام روزگار و زمان بدانیم، بدین صورت می توان این آیه کریمه را فهمید: سوگند به روزگار که گذشت آن همه پند و عبرت است برای کسی که صاحب خرد باشد.

4. **چند معنا برای عصر:** همانطور که در مباحث مقدماتی بیان شد، آیات قرآن مجید دارای معانی مختلفی در طول یکدیگر می باشند. لذا، بعید نیست که کلمه "العصر" در این آیه معانی مختلفی داشته باشد که همه آنها به شکل خود مراد و مقصود خدای متعالی باشد. از جمله گفته اند:

- 1- روزگار و زمان که طی آن آیات الهی به صورت حوادث و امور و پدیده های متنوع آشکار می شود. بعضی گفته اند مقصود ربّ و پروردگار دهر یا زمان است.
- 2- هنگام عصر که زمان بر پای نماز عصر است.
- 3- عشاء و شب است به دلیل آنکه در "والضحی" به روشنایی روز سوگند خورد و بعد به شب هنگامی که آرام می گیرد. زیرا در این دو (روز و شب) نشانه های قدرت خدا برجسته و بارز است.
- 4- عصر ظهور اسلام و نبوت پیامبر اکرم (ص) که هنگام آشکار شدن و غلبه حق و نور هدایت است بر ظلمت جهالت، و بهترین انبیاء و رحمتی برای همه عالمیان می باشد.
- 5- عصر ظهور امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) که عصر غلبه حق بر باطل خواهد بود.
- 6- با توجه به ریشه لغوی کلمه، فشارها و سختی هایی که در طول زندگی برای انسان روی می دهد.
- 7- عصاره هستی که همان انسان کامل و ولی الله اعظم باشد.

5. **نماز عصر و شرافت آن:** کسانی که "والعصر" را سوگند به نماز عصر می دانند، شرافت نماز عصر و فضیلت آن را دلیل عظمت این سوگند دانسته اند. به عنوان مثال از حضرت محمد (ص) نقل گردیده است، "کسی که [نماز] عصرش فوت شود مانند آن است که خانواده و مالش را بی سرپرست تنها گذاشته باشد." و باز گفته اند اداء نماز عصر از بقیه نمازها سخت تر است بخاطر اینکه مردم در پایان روز درگیر و سرگرم تجارت می شدند، بخاطر خنک شدن هوا به ویژه در سرزمین حجاز، و سعی می کردند هر کاری را دارند انجام دهند و به نتیجه رسانند و تجارت و کسب و کار جمع و جور نمایند. عده ای نیز به کریمه 2:238 که فرمان به مواظبت بر نماز بویژه نماز وسطی داده است استناد کرده اند و گفته اند مقصود از نماز وسطی نماز عصر است. در این مورد بعد از ابن عربی توضیحات بیشتری خواهد آمد.

6. **شرافتی دیگر برای نماز عصر:** حقی در تفسیر خویش، بنظر می رسد تحت تاثیر از ابن عربی، می گوید: "والعصر" قسم به نماز که صلاة وسطی (میانه) است و بین نمازی شفع (زوج) یعنی نماز ظهر و نمازی وتر (فرد) یعنی نماز مغرب واقع شده است. و چون بین آندو است، [برزخ آنهاست] و متصف است به دو طرف و صفت آنها را ظاهر می سازد و حکم آندو را محقق می گرداند همانطور که برازخ چنین می باشند. پس، برای نماز عصر قدر و شرفی است که برای هیچ یک از دو طرف آن نیست. و نیز اوقات اوائل نمازهای چهارگانه دیگر مشخص است مگر در نماز عصر... و در آن است سر تنزیه خدای تعالی از تقیید به حدود. برای همین در نماز تکبیر را واجب ساخت زیرا خدای تعالی منزّه است از تقیید به اوضاع نماز و حرکات نمازگزار. ...

II. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (انسان در خسران و زیان می باشد)

1. **ان الانسان:** "الف و لام" جنسیت است که بر سر "انسان" آورده است. یعنی همه انسان ها در خسران و زیان می باشند نه یک انسان خاصی فقط به دلیل استثناء آیه بعد.
2. **لفی خسر:** خسر و خسران به معنای نقصان و از دست رفتن اصل مال است. و گفته اند در مورد انسان خودش و عمرش می باشد. نکره آوردن خسر را نشانه بزرگی آن دانسته اند، بدین معنی که عمق و شدت این زیان را کسی جز خدای تبارک و تعالی نمی داند. لذا، گفته اند، هر آینه انسانها در زیان می باشند به صرف عمرهای خویش برای بدست آوردن چیزهایی که ناپایدار و از بین رفتنی می باشند. پس، بیهوده نقد عزیز عمر از دست مده. بزرگی گناه یا بسبب بزرگی کسی است که نسبت به او گناه می شود، و یا در مقابل نعمت بزرگی است که به واسطه آن گناه تباه می گردد.

III. يَا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ (مگر کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح کردند و

یکدیگر را توصیه به حق نمودند و توصیه به صبر کردند.)

1. **الا الذين آمنوا:** مگر کسانی که ایمان آوردند به غیب و دنیا را به آخرت فروختند، اینان سود کردند در این معامله خود و سعادتمند گردیدند زیرا آنها با اموری پست و بی ارزش و فانی که در هر صورت آنها از دست می دادند امری نفیس و باقی خریدند.

یار مفروش به دنیا که بسی سود نکرد آن که یوسف به زر ناسره بفروخته بود
گفت و خوش گفت برو خرقة بسوزان حافظ یا رب این قلب شناسی ز که آموخته بود

2. **وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ:** آوردن عمل صالح بعد از ایمان، بیانگر اهمیت بینش صحیح ایمانی و کنش و عمل صالح در شکوفایی انسان و تولد برتر اوست. به عبارت دیگر، هم قوای نظری و هم قوای عملی انسان باید تربیت صحیح بپذیرند تا موجب سعادت باشند.

3. **وَتَوَّاصُوا بِالْحَقِّ:** ایمان و عمل صالح برای به کمال رساندن خودشان بود ولی توصیه و سفارش به حق و صبر برای تکمیل دیگران و دستگیری از بندگان دیگر خدا می باشد. یعنی یکدیگر را سفارش می کند به حق، یا آن امر ثابتی که به هیچ وجه قابل انکار نیست و لطف و حسن آن در هر دو عالم ساری است و او تماماً خیر است: آن ایمان به خدای عزوجل، و پیروی از کتاب آسمانی او و تصدیق رسولان اوست در هر عقیده و عملی.

4. **وتواصوا بالصبر:** سفارش به صبر می کنند از گناهان، که نفس اماره انسان را به سوی آنها سوق می دهد، و صبر می کنند بر طاعت، که انجام آن دشوار است، و بر بلاهایی که قهاریت خدای تعالی به سوی آنها می آید، و صبر می کنند بر نعمت با قیام به شکر آن. اینکه توصیه به صبر را آشکار ذکر کرد با اینکه آن نیز بخشی از توصیه به حق است، یا برای اهمیت آن بود، و یا آنکه اولی عبارت است از رتبت عبادتی که انجام رضای خدای عزوجل است، و دومی عبودیتی که تحمل و بردباری بنده است در برابر فعل خدای تعالی. بعضی گفته اند مقصود از صبر در اینجا صرف خویشتن داری نیست بلکه کمال صبر که رضاست و خدا را و هر چه ازوست را ظاهراً و باطناً زیبا دانستن.

IV. تَأْوِيلَاتُ وَ أَشَارَاتُ

1. **بیان شریف امام صادق (ع):** از امام صادق (ع) نقل شده است: "والعصر" سوگند به عصر خروج قائم علیه السلام" ان الانسان لفي خسر" یعنی دشمنان ما، "الا الذين آمنوا" یعنی مگر کسانی که ایمان آوردند به آیات، "و عملوا الصالحات" و عمل کردند به مواسات اخوان "وتواصوا بالحق" و توصیه کردند به امامت، "وتواصوا بالصبر" و توصیه کردند در حق عترت.

2. **اشاراتی:** "والعصر"، یعنی در عصر ذاکرین، "إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ"، انسان در خسران است زیرا محبوب است از رب خود به حجاب نفسش با دیدن وجود خودش، "إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا" مگر آنان که ایمان مخصوص آوردند، "وَعَمَلُوا" عمل مخصوص، که همان دریدن حجاب فایده ها و عایدی ها و کسب و کارهاست، را انجام دادند تا آنکه واصل گردیدند به کشف حجاب، و با خدا غیری را ندیدند و از خود و دیگران غایب شدند با شهود محبوبشان. چون کامل شدند، مشغول گردیدند به تکمیل غیر خود، از همین روی خدای تعالی فرمود: "وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ" یعنی توصیه به کسب و کار حق، و آن چیزی است که بر نفس سنگین است، این کار انجام دهند تا دیگران برایشان سنگین نباشد، و یا با اقبال به حق نشان دادن، "وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ" توصیه به صبر بر دشواری های سیر.
3. **تفسیر قشیری:** "والعصر"، به دهر و روزگار سوگند. که "ان الإنسان"، مقصودش از آن، جنس انسان است، در خسران و زیان است. یعنی انسان در عقوبتی از گناهانش می باشد. آنگاه مؤمنین را استثناء فرمود و گفت: "إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ". یعنی آنهایی که عبادتشان از روی اخلاص بود و توصیه کردند یکدیگر را به حق و آنچه نیکو و زیباست، و توصیه نمودند یکدیگر را به صبر... خسرانی که به انسان می رسد بر دو قسم است یکی از اعمال است و سر انجام و در پایان کار انسان به آن پی می برد، و دیگری در احوال است و در حال حاضر است. و آن (خسران) قبض بعد از بسط، و حجاب بعد از قرب است... "وتواصوا بالحق" ایثار با خلق است، و صدق با حق. "وتواصوا بالصبر": [و آن] بر عافیت است... و هیچ صبری برتر از آن نیست. و نیز گفته اند توصیه است به صبر با خدا ... و آن سخت ترین اقسام صبر می باشد.
4. **تفسیر فاسانی:** "والعصر"، قسم به عصر، یعنی به امتداد بقاء زمان و آنچه در آن است و آنچه توسط ایجاد کننده و علت آن که دهر است با آن پدید می آید. مردم امور مختلف و احوال گوناگون را به دهر نسبت می دادند و آن (دهر) را مؤثر در آن می دانستند. سطح فکرشان در این حد بود که می گفتند: وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ (45:24). حال آنکه مؤثر حقیقی خدای تعالی است. لذا، رسول اکرم (ص) فرمود: "لا تسبوا الدهر فإن الله هو الدهر"، (دهر را دشنام مگویید چرا که خدا همان دهر است) و این بخاطر تعظیم و بزرگداشت دهر بود زیرا که خدای تعالی باصفات و أفعالش در مظهرش ظهور می کند. آنکه توسط آن مظهر از او محبوب گردد در خسران و زیان است، و آن کس انسان است که اصل سرمایه خود که همان نور فطرت و هدایت اصلی استعداد ازلی است را از دست می دهد با برگزیدن زندگی دنیا و لذات فانی و احتجاب توسط آنها و با دهر، و این تباہ کردن و ضایع ساختن امر باقی ماندنی است برای آنچه نابود گردیدنی و از بین رفتنی است. "إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا" مگر آنان که ایمان آوردند به الله ایمان علمی، یقینی و عرفی، ایمان آوردند به اینکه "لا مؤثر إلا الله" (تأثیر گذاری جز خدا نیست)، بیرون آیند از حجاب دهر، "وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ" و اعمال صالح انجام دادند که فضائل و خیرات باقی ماندنی است، یعنی کسب ایشان آن بود، پس، سود می برند با افزوده شدن نور کمال بر نور استعدادی که اصل سرمایه شان بود، "وتواصوا بالحق" و سفارش و توصیه کردند یکدیگر را به حق، یعنی به آنچه ثابت و دائمی و باقی است بر حال خود همیشه، که توحید است... یعنی توحید ذاتی و وصفی و فعلی زیرا فقط او همان حق ثابت، "وتواصوا بالصبر" و سفارش نمودند یکدیگر را به صبر با و بر او از هر چه غیر اوست با تمکین و استقامت، زیرا که وصول به حق آسان است اما بقاء بر آن و صبر با آن همراه با استقامت در عبودیت نایاب تر از کبریت آحمر و کلاغ سفید است. نتیجه آنکه، نوع انسان همه در زیان می باشند مگر آنان که در علم و عمل کامل می باشند، مکمل دیگران نیز هستند بدین دو صفت. و نیز می توان "العصر" را به معنای مصدری از عصر یعصر دانست، و گفت، سوگند که خدا بفشرد و ببیچاند انسان را به بلاء و مجاهده و ریاضت تا آنکه صافی و پاک گردد و یا آنکه عصاره آن صاف و خالص گردد، همانا انسان باقی با تقاله ها با حجاب بشریت در خسران است مگر کسانی که متصف به علم و عمل می باشند، توصیه به حق ثابتی می کنند که اعتقاد یقینی همراه عصاره صافی باقی است بعد از گرفته شدن تقاله ها. "وتواصوا بالصبر" و یکدیگر را توصیه به صبر می کنند در برابر فشرده و بیچانده شدن به بلاء و ریاضت، برای همین رسول اکرم علیه السلام فرمود: بلا بر انبیاء اول نوشته شده است، سپس بر اولیاء، آنگاه به ترتیب بر هر که برجسته تر است، و نیز فرمود: بلاء شلاقی است از شلاق های خدا که با آن بندگان را به سوی خود می راند.